

بررسی نگرش‌های مادران ایرانی نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان

آسیه شریعتمدار^۱، زهرا علیدوستی^۲

چکیده

در فرهنگ‌های مختلف، نگرش‌های متفاوتی در خصوص شیوه ابراز هیجانات وجود دارد. از آنجاکه در فرهنگ ایرانی تاکنون به بررسی این نگرش‌ها پرداخته نشده است، هدف پژوهش حاضر، بررسی نگرش‌های مادران ایرانی نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان است. داده‌ها، با روش کیفی از نوع پدیدارشناسی جمع‌آوری شدند. جامعه موردپژوهش، کلیه مادران دارای فرزند ۳-۶ ساله بودند که کودکشان، سال ۱۳۹۷ در خانه کودک سلاله حضور داشتند. روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند بود و پژوهشگر به مصاحبه با ۱۰ مادر که حداقل دارای یک فرزند ۳-۶ ساله بودند و به مشاهده تعامل ۲۳ مادر و کودک در همان گروه سنی پرداخت. روش جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته و مشاهده بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش کلایزی انجام شد. یافته‌ها نشان داد، نگرش‌های مادران، شامل نگرش‌های حمایتی، حمایتی با نگرش درونی سازی نشده خفیف و یا افراطی، نگرش مبتنی بر پذیرش مشروط به نوع هیجان و جنسیت و همچنین نگرش‌های غیر حمایتی مادران متمرکز بر نیاز خود و یا متمرکز بر نیاز کودک است. با توجه به نتایج، به نظر می‌رسد، نگرش‌های مادران نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان یک پیوستار است و تنها دو قاعده مراقبت از خود و دیگران به عنوان شیوه اجتماعی سازی هیجانی کودکان وجود ندارد، بلکه ممکن است این قواعد گاه به صورت افراطی بروز کند و در نتیجه افراط در این قاعده‌ها، مادر چنین بی‌اندیشد که کودک به جهت مراقبت از خود، دیگران و یا خانواده، باید از ابراز هیجانات منفی خودداری کند. با توجه به یافته‌ها می‌توان برنامه‌هایی برای آموزش فرزندپروری هیجانی به والدین تدوین کرد.

کلیدواژه: نگرش مادران ایرانی، ابراز هیجانات منفی، کودکان، فرهنگ

۱. استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران (نویسنده مسئول) alidoosti_zahra@yahoo.com

Iranian mothers' beliefs about children's negative emotional expressions

Asie Shariatmadar¹, Zahra Alidoosti²

Abstract

Cultural diversity creates different attitudes about how emotional expressions are. Since these attitudes have not been studied in Iranian culture so far, the aim of the present study is Iranian mothers' beliefs about children's negative emotional expressions. The qualitative phenomenological approach was used to acquire data. All mothers with 3-6 children whose children attended Solaleh Kids House in 2018 were included in the study population. The researcher used an accessible and purposive sample strategy, interviewing ten women with at least one 3-6-year-old kid and seeing 23 mothers and children in the same age range interact. The semi-structured interview and observation approach was used to gather data, and Colaizzi's method analyzed the data. The findings indicated that mothers' beliefs include supporting attitudes, supportive attitudes with moderate or severe non-internalized attitudes, attitudes of acceptance based on emotion and gender, and non-supportive attitudes centered on their own or their child's needs. According to the findings, mothers' beliefs about expressing negative emotions in children seem to be a continuum, with just two principles for caring for oneself and others serving as children's emotion socialization practices. Rather than that, these restrictions may sometimes become excessive, and the mother believes that the child should abstain from negative emotional manifestations in order to protect herself, others, or family. The results indicate that it is feasible to establish programs to educate parents about emotional parenting.

Keywords: Iranian mothers' beliefs, negative emotional expressions, children, Culture

-
1. Assistant Professor, Department of counseling, faculty of psychology and education, University of allameh tabatabai, Tehran, Iran.
 2. Student of Department of Counseling, Psychology and Educational Sciences academy, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

مقدمه

اخیراً، پژوهشگران به اهمیت ابراز هیجانات کودکان پی برده‌اند (نگراو، اوسوریو، سیسیلیانو، لدرمن، کوزاسا، آنتینو، شوارتز^۱، ۲۰۲۱) که این ابرازگری و به طور کلی، رشد هیجانی، به شدت تحت تأثیر والدین است (هوپر، وو، کو، گرهارد، فنگک^۲، ۲۰۱۸). نگرش‌های والدین در خصوص هیجانات، خواه ابراز آنها را بپذیرند یا خیر، در درازمدت، بر الگوسازی سبک ابرازگری و تنظیم هیجانات کودکان اثر می‌گذارد (کارونا، موریرا، فانسیسا^۳، ۲۰۲۲). بر اساس این نگرش‌ها، والدین اطلاعاتی را در مورد هیجانات و شیوه ابراز آنها، به کودکان ارائه می‌دهند که فرایند اجتماعی‌سازی هیجانات را رقم می‌زند و یادگیری کودکان را در رابطه با تجربه، بیان و تنظیم هیجانات و رفتارهای مرتبط با هیجانات تکمیل می‌کند (هوپر و همکاران، ۲۰۱۸).

یکی از نکات حائز اهمیت در حیطه نگرش‌های والدین نسبت به هیجانات کودکان این است که اگرچه هیجانات، یک پدیده جهانی در میان گونه‌ها و فرهنگ‌های مختلف هستند، رویکردهای معاصر نشان می‌دهد که بسیاری از جنبه‌های پردازش هیجانات، توسط فرهنگ شکل می‌گیرد (مولر، بل، آشرزلبین^۴، ۲۰۲۲). درواقع هنجارهای فرهنگی معمولاً تعیین می‌کنند که چه زمانی و به چه کسی هیجانات باید نشان داده شود (موناکورا، فیشر، سوتر^۵، ۲۰۲۲) و این چنین است که افراد مطابق با هنجارها و انتظارات فرهنگ‌های خود، به انطباق و اصلاح ابراز هیجان می‌پردازند (چن، زو، مین، لی^۶، ۲۰۱۵). قواعد اجتماعی در هر فرهنگی می‌تواند ابراز هیجانات مثبت یا منفی را تسهیل یا مهار کند و هیجانات را به‌عنوان تجربیات خوشایند یا ناخوشایند در نظر گیرد (نادرگروسبویس، جیکوب، مورین^۷، ۲۰۲۲). درواقع فرهنگ‌های مختلف بر اساس اینکه کدام رفتار اجتماعی قابل قبول هستند و چه زمانی این هیجانات می‌تواند ابراز شوند و در مقابل چه افرادی و در چه محیط‌هایی، دارای مجموعه‌های مختلفی از قواعد ابراز و نمایش هیجان هستند (گالا^۸، ۲۰۱۷)؛ برای مثال،

1. Negrão., Osorio., Siciliano., Lederman., Kozasa., D'Antino.,... & Schwartzman
2. Hooper., Wu., Ku., Gerhardt., Feng
3. Carona., Moreira., Fonseca
4. Möller., Bull., Aschersleben
5. Manokara., Fischer., Sauter
6. Chen., Zhou., Main., Lee
7. Nader-Grosbois., Jacobs., Morin
8. Gala

کودکانی که در جوامع غربی (مثلاً ایالات متحده یا بریتانیا) رشد می‌کنند بر اطلاعات صریح و معنایی هیجانات تکیه می‌کنند، درحالی که کودکان فرهنگ‌های آسیای شرقی (مانند چین یا ژاپن) نسبت به نشانه‌های ضمنی و زمینه‌ای هیجانات در مواجهه با دیگران حساس‌تر هستند (مولرو همکاران، ۲۰۲۲).

والدین و سایر مراقبان، نقش مهمی در انتقال این ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در مورد هیجانات دارند (کاسترو، هالبراستاد، لوزادا، کریگ^۱، ۲۰۱۵) و تحقیقات نشان داده است که والدین به‌ویژه مادران، رفتارهای عاطفی نوزادان و کودکان خردسال را مطابق با استانداردهای فرهنگی خود، چارچوب‌بندی و اجتماعی‌سازی می‌کنند (مولرو و همکاران، ۲۰۲۲). درواقع مادر نخستین گذرگاه کودک به زندگی اجتماعی است (طالبی، امیری مجد، ۱۳۹۸؛ به نقل از: نیکبخت، حقایق، ۱۳۹۸) و به‌عنوان الگویی برای ابراز و تنظیم هیجانات عمل می‌کند که در این راه از دو روش فرزندپروری مربی هیجان و نادیده‌گیری هیجانات بهره می‌برد (وو، فنگ، یان، هوپر، گرهارد، کو^۲، ۲۰۲۰).

در دیدگاه مربیگری هیجانات، هیجانات منفی کودکان با ارزش هستند و آنها را به‌عنوان فرصتی برای صمیمیت می‌دانند (ویلسون، هاگوارتز، هارلی^۳، ۲۰۱۲) که شامل آموزش هیجانات به کودکان، پاسخگو بودن، حمایت، همدلی و اعتبار دادن به تجربیات هیجانی کودکان، نام‌گذاری هیجانات کودکان و پیشنهاد راه‌هایی برای حل مشکلات هیجانی برای کمک به کودکان برای تنظیم هیجانات سازگارانه است (وو و همکاران، ۲۰۲۰). در همین راستا، نتایج پژوهش کاسترو و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که رفتار اجتماعی‌سازی نام‌گذاری هیجانات و شناخت هیجانات والدین، همبستگی مثبتی با مهارت شناخت هیجانات کودکان دارد. درواقع این یافته‌ها، اهمیت به کارگیری شیوه فرزندپروری مربی هیجانات، در رشد مهارت تشخیص هیجانات کودکان را بیان می‌کنند.

برخلاف فلسفه مربیگری هیجانی، در فلسفه نادیده‌گیری، هیجان کودک را مضر می‌دانند. نادیده می‌گیرند و کم‌اهمیت تلقی می‌کنند و معتقدند کودک باید فوراً هیجانش را تغییر دهد (هاس^۴، ۲۰۱۶). سرکوب ابراز هیجانات، مشکلات بعدی را برای فرزندان پیش‌بینی می‌کند. به‌علاوه این تنظیم هیجانات ناسازگار، ممکن است حتی در فرزندانی که

1. Castro., Halberstadt., Lozada., Craig
2. Wu., Feng., Yan., Hooper., Gerhardt., Ku
3. Wilson., Havighurst., Harley
4. Has

علائم بالینی اختلال را ندارند، در ماندگی و مشکلات هیجانی ایجاد کند (برتی، جانسون و لیل^۱، ۲۰۲۱) و با کنترل کردن هیجانات منفی، به‌طور ناخواسته ریسک مشکلات درونی‌سازی در کودکانشان افزایش می‌یابد (کاسترو و همکاران، ۲۰۱۵).

بررسی نگرش‌های مادران نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان در کشورهای از جمله هند، آمریکا، ژاپن صورت گرفته است؛ اما در ایران هنوز بررسی کیفی در زمینه شناخت بهتر این نگرش‌ها، صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد با انجام پژوهشی در این زمینه، می‌توان به شناخت بیشتری نسبت به نگرش‌های مادران در فرهنگ ایران، دست یافت و در نتیجه در آینده، برنامه مدونی جهت آگاهی‌بخشی مختص مادران ایرانی و برحسب فرهنگ و ارزش‌های رایج ایران، طراحی کرد تا بتوان با خطای کمتری به روند اصلاح و بهبود نگرش‌های مادران ایرانی نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان پرداخت و همچنین مداخلاتی مختص فرهنگ ایرانی، در راستای بهبود نگرش مادران در این خصوص، مدون کرد تا از این طریق، روند تنظیم هیجانات در کودکان ایرانی به شیوه مناسب‌تری صورت گیرد. به‌طور کلی از آنجا که توجه به هیجانات کودکان به‌صورت فعالانه، جزو وظایف بسیار مهم مادران به حساب می‌آید؛ نگرش آنها نسبت به این موضوعات، می‌تواند در نحوه ابراز و تنظیم هیجانات کودکان مؤثر باشد. به همین جهت مادران برای اثرگذاری مناسب و تحلیل صحیح هیجانات فرزندانشان، نیازمند آگاهی نسبت به نگرش‌های خود هستند تا بتوانند با آگاهی بیشتر نسبت به این نگرش‌ها، پاسخ‌های رفتاری مناسب‌تری را در مقابل ابراز هیجانات کودکان انتخاب کنند و نشان دهند. در نتیجه انجام پژوهش‌هایی جهت ارتقای دانش هیجانی مادران و آگاهی بیشتر آنان نسبت به نگرش‌هایشان می‌تواند به انجام هرچه بهتر این وظیفه والدینی کمک کند. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که نگرش مادران ایرانی، نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان چگونه است؟

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی از نوع پدیدارشناسی انجام شد. جامعه و نمونه مورد بررسی در این پژوهش، کلیه مادران دارای فرزند گروه سنی ۳-۶ ساله هستند که

کودکشان در کلاس‌های خانه کودک سلاله سال ۱۳۹۷ حضور داشته است. شایان ذکر است که خانه کودک سلاله، مرکزی آموزشی-فرهنگی است که در حوزه آموزش و رشد کودکان، کلاس‌های متعددی برگزار می‌کند. روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند به کار برده شد. گردآوری داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مشاهده انجام شد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر مرتبط با هنجارهای جامعه است و مصاحبه نمی‌توانست به تنهایی، دیدگاه کاملاً خالصی را از نگرش‌های مادران در مورد ابراز هیجانات منفی کودکان نشان دهد، از مشاهده نیز به عنوان ابزار کمکی بهره گرفته شد تا در حین مکالمات مادران و کودکان در کلاس‌ها که به وفور شامل مکالمات در خصوص هیجانات است، بتوان اطلاعات ارزنده بیشتری کسب کرد. در روند مشاهده، پژوهشگر به عنوان مشاهده‌گر در کلاس‌های حضوری مادر و کودک حضور یافت و روند تعامل مادر و کودک را مشاهده و ثبت کرد. همچنین پژوهشگر هنگام تعیین سؤالات کلی جهت شروع مصاحبه، از پرسش‌نامه پاسخ‌های رفتاری و نگرش‌های والدین نسبت به هیجانات کودکان و پرسش‌نامه باورهای والدین در مورد هیجانات کودکان^۱ (هالبراستاد، دانسمر، بریانت، پاکر، بیل، تامسون^۲، ۲۰۱۳) نیز الهام گرفت تا سؤالات کلی مناسبی را طراحی کند. داده‌ها پس از مصاحبه با ۱۰ مادر که دارای حداقل یک فرزند ۶-۳ ساله بودند و همچنین مشاهده تعامل ۲۳ مادر و کودک دیگر به اشباع نظری رسید.

برای تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد که شامل ۷ مرحله است. در مرحله اول روش کلایزی، پس از مصاحبه با مشارکت کنندگان پژوهش، ابتدا به بیانات ضبط شده مصاحبه‌شوندگان مکرراً گوش داده شد، اظهاراتشان روی کاغذ نوشته شد. به جهت درک احساس و تجارب مصاحبه‌شوندگان، دست‌نوشته‌های تهیه شده از مصاحبه‌ها چند بار مورد مطالعه قرار گرفت تا پژوهشگر از احساسات درونی آنان یک معنای کلی به دست آورد. سپس با بازخوانی مجدد متون بر جملاتی که مستقیماً با پدیده مورد بررسی در ارتباط بود، تمرکز و اطلاعات بامعنی و مرتبط با پدیده مورد بحث، به عنوان جملات مهم تعیین شد. پس از مرور دست‌نوشته‌ها سعی شد از هر عبارت، یک مفهوم استخراج شود؛ که بیانگر معنی و بخش اساسی تفکر فرد باشد. پس از استخراج ۴۰ کد مطابق مرحله چهارم کلایزی، پژوهشگر، مفاهیم تدوین شده را به دقت مطالعه و بر اساس تشابه مفاهیم، آنها را در ۱۰

1. Parents' Beliefs about Children's Emotions Questionnaire

2. Halberstadt., Dunsmore., Bryant., Parker., Beale., Thompson

گروه دسته‌بندی کرد. در مرحله پنجم نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند داده شدند و ۵ دسته کلی تر را ایجاد کردند. در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده مورد مطالعه تا حد امکان با بیانی واضح و بدون ابهام، در دو گروه نگرش‌های حمایتی و غیر حمایتی ارائه شد و زبان واقعی به زبان علمی تغییر کرد و در مرحله پایانی، اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه و ارائه یک ساختار توصیفی از معانی تجارب انجام گرفت (شاطریان، ۱۳۹۶).

در رابطه با ملاحظات اخلاقی پژوهش نیز، بر رازداری و محرمانه بودن اطلاعات حاصل از مصاحبه، حفظ هویت و حریم خصوصی مصاحبه‌شوندگان تأکید شد و اصل رضایت آگاهانه از طریق بیان دقیق اهداف و روش مصاحبه‌های انجام‌شده رعایت گردید؛ و برای ضبط مصاحبه‌ها از داوطلبان، اجازه گرفته شد.

یافته‌ها

از آنجاکه در این پژوهش، ۱۰ مادر مورد مصاحبه و ۲۳ مادر دیگر نیز مورد مشاهده قرار گرفته‌اند، اطلاعات جمعیت‌شناختی این دو گروه افراد که به کمک فرم جمعیت‌شناختی، توسط والدین تکمیل شده است و به صورت دستی جدول‌بندی شده است؛ در دو جدول مصاحبه‌شوندگان و مشاهده‌شوندگان ارائه می‌گردد.

جدول ۱ اطلاعات کمی و کیفی جمعیت‌شناختی مشاهده‌شوندگان

کد	سن مادر	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزندان	سن کودک	جنسیت کودک	سطح تحصیلات مادر	شغل مادر
۱	۲۶	۶	۱	۴	مؤنث	لیسانس	خانه‌دار
۲	۲۹	۴	۱	۳	مؤنث	فوق‌دیپلم	خانه‌دار
۳	۳۵	۵	۱	۴	مؤنث	ارشد	مهندس عمران
۴	۲۸	۷	۱	۵	مؤنث	دیپلم	خانه‌دار
۵	۳۰	۷	۱	۴	مؤنث	ارشد	کارمند
۶	۳۷	۶	۲	۳	مؤنث	دکتری	استاد دانشگاه
۷	۴۰	۱۸	۲	۵	مؤنث	لیسانس	حسابدار
۸	۲۸	۶	۱	۵	مؤنث	دیپلم	خانه‌دار
۹	۳۲	۸	۱	۶	مؤنث	لیسانس	کارمند

کد	سن مادر	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزند	سن کودک	جنسیت کودک	سطح تحصیلات مادر	شغل مادر
۱۰	۲۴	۶	۱	۴	مؤنث	دیپلم	خانه‌دار
۱۱	۳۷	۱۰	۲	۵	مذکر	دکتری	محقق
۱۲	۳۶	۱۶	۲	۳	مؤنث	ارشد	خانه‌دار
۱۳	۳۳	۹	۲	۵	مؤنث	لیسانس	خانه‌دار
۱۴	۳۴	۷	۱	۳	مذکر	ارشد	خانه‌دار
۱۵	۳۷	۸	۲	۵	مذکر	دکتری	پزشک
۱۶	۳۷	۹	۲	۶	مؤنث	ارشد	آزاد
۱۷	۳۵	۱۰	۲	۶	مذکر	ارشد	روان‌شناس
۱۸	۲۸	۹	۱	۶	مؤنث	لیسانس	حسابدار
۱۹	۳۱	۱۰	۱	۶	مذکر	دیپلم	خانه‌دار
۲۰	۳۸	۶	۲	۴	مذکر	ارشد	مهندس صنایع
۲۱	۲۹	۸	۱	۶	مؤنث	دیپلم	خانه‌دار
۲۲	۳۳	۹	۲	۳	مؤنث	لیسانس	خانه‌دار
۲۳	۲۴	۶	۱	۳	مؤنث	فوق‌دیپلم	خانه‌دار
میانگین	۳۱	۸	۱	۴	-	-	-

اطلاعات مشاهده‌شوندگان، به لحاظ میانگین، در زمینه سن مادر، ۳۱ سال، مدت‌زمان ازدواج مادر ۸ سال و تعداد فرزندان نیز ۱ نفر و همچنین سن کودکان ۴ سال است. توضیح این نکته لازم است که دامنه سنی مادران بین ۲۴ تا ۴۰ سال است.

جدول ۲ اطلاعات کمی و کیفی جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد	سن مادر	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزند	سن کودک	جنسیت کودک	سطح تحصیلات مادر	شغل مادر
۱	۳۷	۷	۲	۶	مذکر	دکتری	دندان‌پزشک
۲	۳۰	۵	۱	۳	مؤنث	دیپلم	خانه‌دار
۳	۴۰	۱۰	۲	۶	مؤنث	کارشناسی	معلم
۴	۳۰	۱۰	۲	۵	مذکر	کارشناسی ارشد	دانشجو
۵	۲۹	۷	۱	۵	مؤنث	کارشناسی	خانه‌دار

کد	سن مادر	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزندان	سن کودک	جنسیت کودک	سطح تحصیلات مادر	شغل مادر
۶	۲۷	۶	۱	۳	مؤنث	کارشناسی	کارمند
۷	۳۵	۷	۱	۶	مذکر	دکتری	مهندس معماری
۸	۳۲	۱۰	۲	۵	مؤنث	کارشناسی	خانه‌دار
۹	۲۶	۴	۱	۳	مذکر	دیپلم	خانه‌دار
۱۰	۲۸	۷	۱	۴	مؤنث	فوق‌دیپلم	خانه‌دار
میانگین	۳۱	۷	۱	۴	-	-	-

اطلاعات مادران مصاحبه‌شده به لحاظ میانگین، در زمینه سن مادر، ۳۱ سال، مدت زمان ازدواج هفت سال و تعداد فرزندان ۱ نفر و همچنین سن کودکان ۴ سال است. توضیح این نکته لازم است که دامنه سنی مادران بین ۲۶ تا ۴۰ سال است. سؤال اول: نگرش مادران ایرانی، نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان چگونه است؟

همان‌طور که در نمودار ۱ و ۲ دیده می‌شود، در کدگذاری مفاهیم مربوط به این سؤال، محقق به این نتیجه دست یافت که نگرش‌های مادران به صورت دو مقوله حمایتی و غیر حمایتی نیست؛ بلکه یک پیوستار است و در مادران حمایتی نگرش‌های درونی‌سازی نشده و دوسوگرایانه مشاهده شد. همچنین طبقه دیگری به عنوان پذیرش مشروط نیز، وجود دارد که می‌توان آن را بینابین گروه مادران حمایتی و مادران غیر حمایتی در نظر گرفت. در نتیجه مضامین نگرش‌های مادران، به صورت نگرش‌های مادران حمایتی، نگرش‌های مادران حمایتی درونی‌سازی نشده، نگرش‌های مادران با پذیرش مشروط و نگرش‌های مادران غیر حمایتی کدگذاری شده است.

۱. مضامین نگرش‌های مادران حمایتی:

مضامین اصلی این گروه از مادران شامل نگرش‌های پذیرنده هیجان منفی کودکان و ضرورت کمک به تنظیم هیجان است.

۱-۱- نگرش‌های پذیرنده هیجان منفی کودکان

این نگرش مربوط به مادرانی است که هیجانات منفی را ارزشمند تلقی می‌کنند. این والدین گزارش داده‌اند که خوب است کودکان هیجانات خود را احساس و ابراز کنند



نمودار ۱ مضامین استخراج شده از نگرش‌های حمایتی مادران ایرانی نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان



نمودار ۲ مضامین استخراج‌شده از نگرش‌های غیر حمایتی مادران ایرانی نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکانشان

و به اطرافیان نشان دهند که چه زمان‌هایی ترسیده‌اند و یا عصبانی و ناراحت هستند. هشت نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است:

۱-۱ الف- منع ابراز هیجان منفی، عامل انباشت آن: من فقط سعی کردم سکوت کنم یکم خشمم رو خالی کنه. یکم پا کوبید و گریه کرد. جلوشو نگرفتم. گفتم بزار یکم

آروم بشه این جورى. اگه جلو شو بگیرم بچه توى دلش میمونه.

۱-۱-ب- طبعی دانستن ابراز هیجانات منفی کودک: دوست دارم این وقت‌ها بهش نشون بدم که اشکالی نداره اگه غصه داره تو دلش. همه بعضی روزها میاد که دلشون گریه می‌خواد. اگه گریه نباید می‌کردیم که خدا اشک رو نمی‌آفرید.

۱-۱-پ- توجه به هیجانات منفی، عامل تنظیم آن: حس می‌کنم تونستم به احساساتش توجه کنم. حس می‌کنم فهمیده که می‌تونه یه وقتا ناراحت باشه یه وقتا عصبانی یه وقتا کلافه؛ اما یاد داره می‌گیره بعدش چطوری خودشو خوب کنه؛ و خوشحال بشه.

۱-۱-ت- لزوم حمایت از کودک در صورت بروز هیجانات منفی: بغلش کردم راحت گریه کنه که یکم آروم بشه.

۱-۱-ث- ارتقای اعتماد به نفس کودک با ابراز هیجانات منفی: این جورى تازه سها یادم می‌گیره که میتونه از پس ناراحتی‌اش بریاد و اعتماد به نفسم پیدا می‌کنه. (خنده مادر) انگار با یه تیر ده نشون می‌زنم این جورى.

۱-۱-ج- آرامش کودک نتیجه توجه به ابراز هیجانات منفی وی: اومد بغلم سرشو گذاشت رو شونم یکم آروم تر شد. کلاً وقت‌هایی که ناراحت و عصبانی، خیلی حس خوبی بهش میدم بغلش کنم. بالاخره حس بدی داشته دیگه، شاید اینکه من بهش می‌گم بیا بغلم و حواسم پیششه اون لحظه، یکم حالشو بهتر کنه.

۱-۱-چ- ابراز هیجانات منفی، فرصتی برای آموزش حل مسئله: بیشتر به این فکر می‌کردم که چطوری می‌تونم کمکش کنم که خودشو مدیریت کنه. خیلی دوست داشتم از این موقعیت یه استفاده‌ای کنم برای اینکه بهش یاد بدم تو این وضع چکار می‌تونه بکنه.

۱-۱-ح- لزوم درک کودک از هیجانات منفی خود: چون دیگه انقد کتاب خوندم یاد گرفتم که ترس بچه‌ها طبیعیه. قرار نیست خودمو هلاک کنم تا نترسه. فقط باید کمکش کنم بتونه خودشو اینو درک کنه و بفهمه.

۱-۲- ضرورت کمک به تنظیم هیجان کودک

بنا بر نگرش این گروه از مادران، تجربه و ابراز هیجانات منفی، عاملی ضروری برای یادگیری و توسعه مهارت‌های هیجانی کودکان تلقی می‌شود. درواقع این گروه از والدین، هیجانات کودک را به عنوان یک فرصت برای صمیمیت، آموزش، تقویت ابراز هیجان و کشف هیجانات می‌دانند. سه نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است:

۱-۲-الف- ضرورت کمک به تنظیم هیجانات در کودکی برای مدیریت آن‌ها: من باید از الآن که بچه است، کمکش کنم تا یاد بگیره حال خودشو چطوری بهتر کنه.

۱-۲-ب- هدایت‌گری والدین در نحوه ابراز هیجان و تنظیم آن: فکر می‌کنم این جورری بهتر سها یاد می‌گیره که وقتی عصبانی شد به جای دادوبیداد حرفشو راحت بزنه. تا مشکل حل شه. اکثر وقت‌ها دوست دارم به سها بفهمونم چطوری بهتره اون حال و احساسی که داره درست ازش استفاده کنه؛ و کنترلش کنه.

۱-۲-پ- پیشگیری از آسیب‌ها با کمک به تنظیم هیجان در کودکی: این همه آدم تو دنیا هست که هرروز هزاران بار قتل می‌کنند یا از روی عصبانیت آسیبی به کسی می‌زنن برای چیه. برا همینه که کسی وقتی بچه بودن کمکشون نکرده که بلد شن چطوری ناراحتیاشونو بگن؛ و حلش کنن.

۲. مضامین نگرش‌های درون‌سازی نشده مادران حمایتی:

مضامین اصلی این دسته از مادران شامل مادران حمایتی با دوسوگرایی خفیف و مادران حمایتی با دوسوگرایی افراطی می‌شود.

۱-۲-۱- مادران حمایتی با دوسوگرایی خفیف (بین نگرش خود و جامعه)

این گروه از مادران، باوجود آنکه ابراز هیجانات منفی را ضروری و ارزشمند قلمداد می‌کنند، بااین حال همچنان میان نگرش‌های خود و نگرش‌های غالب جامعه دچار تعارض و دوگانگی هستند و ازاین‌رو این گروه، مادران با دوسوگرایی خفیف تعریف شده است. سه نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است:

۱-۲-۱-الف- ابراز هیجان، ضروری اما نشانه سطح اجتماعی پایین: یکم بغلش کردم و پشتشو ماساژ دادم. یکم آروم‌تر شد؛ اما مردم فکر می‌کنن بی‌فرهنگیم. نمی‌دونن که باید به بچه آزادی داد تا احساساتشو بگه. این چیزا رو که متوجه نمیشن مردم. فکر میکنن بچه بی‌ادبه.

۱-۲-۱-ب- ابراز هیجان پذیرفتنی، اما نشانه پرخاشگری در جامعه: اومد خونه بهش گفتم مامان جان چرا انقد بلند داد می‌زدی. میخواستین دعوا کنین خب یکم آروم‌تر. صداتون توی کل ساختمان پیچیده بود. زشته. حالا همه فک میکنن پسر ما دعواييه.

۱-۲-۱-پ- هیجانات پذیرفتنی، اما عامل تخریب حرمت‌ها جامعه: من دوست دارم این وقتا ازش مراقبت کنم و بهش کمک کنم تا حال روحیش بهتر شه و آروم بشه عصبانیتش؛ اما خب از طرفی ام شنیدم میگن بچه روش تو روتون وا بشه دیگه بدبختین.

۲-۲- مادران حمایتی با دوسوگرایی افراطی

این نگرش، مربوط به مادرانی است که بر اساس تجارب کودکی، در خانواده مبدأ خود، ابراز هیجانات منفی مضر تلقی می‌شده است و از این رو این افراد، از اظهار هیجانات منفی خود دچار عذاب وجدان می‌شوند. این تجربه عذاب وجدان موجب شده است این نگرش را پیروانند که عدم دادن فرصت ابراز هیجانات منفی به کودک خود را خیانت و بسیار ناپسندیده تلقی کنند. دو نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است:

۲-۲-الف- فرصت ابراز هیجان ندادن، خیانت و نشانه سنگدلی مادر: تلویزیون هم این همه می‌گه به بچه اجازه بدین احساسشو بگه. جلوش رو بگیرین. منم واسه امیر حسین هرگز همچین خیانتی نمی‌کنم. نمی‌خوام امیر این طوری بشه. باید بتونه احساسشو بگه. حرف بزنه. از خودش دفاع کنه.

۲-۲-ب- مقصر بودن مادر در صورت ناتوانی کودک در ابراز هیجانات منفی: (دوسوگرایی بین دنیای تجربی و آرمانی): اگه هلمای یادگیره چطوری بیان کنه احساساتشو، من خودمو نمی‌بخشم چون پسر من که ۱۰ سالشه قشنگ وقتی هم سن و سال‌های هلمای بود می‌تونست راجع به احساساتش حرف بزنه و توضیح بده. در مورد هلمای من از دوران حاملگی‌ام اصلاً حال روحی خوبی نداشتم و تمام مدت این سه سال، من خیلی اندازه اون یکی پسر من نتونستم انرژی لازمو بزارم برای هلمای. همیشه همسرم می‌گفت تو آخرسر با این روحیه بدت، این بچه رو بدبخت می‌کنی. همش جمله‌اش تو ذهنمه. چون حتماً تقصیر من بوده این بچه اینجوریه.

میان مادران حمایتی و غیر حمایتی، گروهی از مادران با پذیرش مشروط نیز قرار دارند که می‌توان آنها را بینابین گروه مادران حمایتی و مادران غیر حمایتی در نظر گرفت.

۳. نگرش‌های مادران با پذیرش مشروط:

مضامین اصلی این گروه از مادران شامل دو دسته است. گروه اول معتقدند نوع هیجان، عامل تعیین‌کننده پذیرش ابراز آن است و گروه دوم معتقدند جنسیت، عامل تعیین‌کننده پذیرش ابراز آن است.

۳-۱- نوع هیجان، عامل تعیین‌کننده پذیرش ابراز آن

در میان مادران مصاحبه‌شونده، برخی از آنان به این نکته تأکید داشتند که در صورتی که کودک هیجان خشم را تجربه کند، آن را نشانه قدرت و تهدیدکننده در نظر می‌گیرند که باید آن را سرکوب کرد و در صورتی که کودک، هیجان ترس را تجربه کند

که نشانه ضعف و منفعلانه تلقی می‌گردد، می‌توان آن را پذیرفت و از آن حمایت کرد. دو نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است.

۱-۳-الف- خشم نشانگر قدرت و ناپذیرفتنی و ترس نشانگر ضعف و پذیرفتنی: راستش وقت‌هایی که عصبانی میشه، خودمم عصبانی میشم. اون روز مثلاً سر اینکه اول از همه می‌خواد بره رو سر سره عصبی شده. آخه آدم سر سره عصبی میشه؟ اما خب وقت‌هایی که می‌ترسه، معمولاً بغلش می‌کنم. نازش می‌کنم. تا آروم بشه. وقتی می‌ترسه کلافه نمیشم. دوست دارم کمکش کنم بهتر بشه.

۱-۳-ب- خشم تعمادی و مایه آبروریزی و ترس غیرارادی و نیازمند حمایت: وقتی دیدم داره گریه میکنه و عصبی شده و جیغ می‌زنه، انقدر عصبی شدم که دلم می‌خواست واقعاً بزارمش برم. کلافم کرد. دیگه واقعاً کار دیگه از دستم برنمیومد. اخه جیغ زدن وسط پارک! به خدا آبرو برام نداشت. همه نگامون کردن انگار که چی شده؛ اما در مورد ترس، چون هنوز خودش نمیتونه آروم کنه خودشو. من باید کمکش کنم. آدم وقتی می‌ترسه احتیاج به یه حامی داره.

برخی از مادران، بر نقش جنسیت تأکید داشتند و آن را عامل تعیین‌کننده میزان پذیرش هیجانات در نظر گرفتند. بدین صورت که باور دارند که هرگونه ابراز هیجان غم و ترس، در کودکان دختر طبیعی به حساب می‌آید و این دو هیجان، مختص خانم‌ها هستند. درحالی که هیجان خشم را به عنوان نماد مردانگی و مذکر بودن در نظر می‌گیرند. چهار نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است.

۲-۳-الف- ابراز خشم در زنان بداخلاقی و موجب تنفر مردان: خب همه میگن این مثل پسرهاست. بخواد سن ازدواجش برسه هیچ مردی تحملش نمیکنه. هیچ مردی از زنی که عصبانی بشه خوشش نمیاد. مردها خانم شاد دوست دارن.

۲-۳-ب- غم، هیجانی زنانه: دانیال داره سعی میکنه منو کنترل کنه، هرچی بهش با مهربونی حرف می‌زنم فایده نداره. مثل دختری که گوشه بغ می‌کنه و گریه می‌کنه.

۳-۳-پ- طبیعی بودن ترس در دختران: ترسهاش رو خیلی نشون نمی‌ده. از اونجا که می‌خواد هی نشون بده که قویه و یه پسره. اصلاً زیاد ترسهاشو نشون نمی‌ده؛ اما هفته قبل، یه بار پیش اومد ترسید. یهو یه دوچرخه‌سوار نزدیک بود بخوره به نرگس. خیلی ترسید. سریعاً دویدم بغلش کردم و گذاشتم سرش رو شونم باشه یکم آروم بشه و بهش گفتم ترسیدی دخترم؟ حق داری بترسی. اونم از ترس سکوت کرده بود و تو بغلم مونده بود.

۳-۴-ت- ابراز خشم، مختص مردان: مگه پسری انقدر عصبانی میشی؟ (مشاهده)

۴. مضامین نگرش‌های مادران غیر حمایتی:

مادران غیر حمایتی، در سخنان خود، معمولاً یا بر نیازهای خود و یا بر نیازهای کودک متمرکز هستند و در توضیحات خود، بر یکی از این دو مورد تأکید بیشتری داشته‌اند. در نتیجه مضامین اصلی این گروه از مادران شامل دو دسته است. گروه اول معتقدند باید بر نیازهای کودک متمرکز بود و گروه دوم معتقدند باید بر نیازهای مادر متمرکز بود.

۴-۱- مضامین نگرش‌های مادران غیر حمایتی (متمرکز بر نیازهای کودک)

نگرش‌های این مادران مبتنی بر پیامدهای نامناسب ابراز هیجانات منفی است. از نظر آنان ابراز هیجانات منفی، مانع مراقبت کارآمد از کودک و احساس شادی اوست.

۴-۱-۱- نگرش‌های مبتنی بر پیامدهای نامناسب ابراز هیجانات

این گروه از مادران، معتقدند ابراز هیجانات منفی، برای کودکان مشکلات و پیامدهای نامطلوبی به همراه می‌آورد. از این رو ابراز هیجانات منفی را نامناسب و خطرناک قلمداد می‌کنند. این والدین معمولاً از اجتناب کودکشان از هیجانات منفی مانند غم، خشم و ترس حمایت می‌کنند. سه نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است:

۴-۱-۱-الف- ابراز هیجانات منفی موجب آسیب‌های جسمانی: یه وقتا با خودم میگم نکنه این پس فردا ازین بچه‌های جری بشه که میخوان هر دقیقه عصبانی بشه و اونوقت می‌دونین چقدر خودش اذیت میشه؟ چقدر بدنش بهم می‌ریزه. من شنیدم اونهایی که خیلی عصبی میشن یا گریه می‌کنن، بعدها دچار مریضی‌های سخت میشن. ام‌اس و سرطان و ...

۴-۱-۱-ب- ابراز هیجانات موجب مشکلات هیجانی-روانی: بعضی وقتام که دادوبیداد میکنه فکر می‌کنم، این بچه آخرسر یه مشکل روانی چیزی پیدا میکنه.

۴-۱-۱-پ- ابراز هیجانات منفی، عامل اتلاف وقت کودک: نیکی یاد گرفته وقتی نمی‌تونه کاریو درست انجام بده ناراحت میشه و غصه میخوره. من میخوام یادش بدم که به جای غصه خوردن باید تلاش کرد. چرا باید یه گوشه بشینیم و گریه کنیم؟ چون واقعاً این جواری هم وقت من هدر میشه هم وقت نیکی.

۴-۱-۲- ابراز هیجانات، مانع مراقبت کارآمد از کودک و شادی او:

مادرانی که در این دسته جای می‌گیرند، در مصاحبه‌های خود تأکید داشتند که کودکی شاد است که هیجانات منفی را تجربه نکند. همچنین این گروه معتقد بودند که

مراقبت از کودک، به معنی جلوگیری از ابراز هیجان منفی کودک است. دو نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است:

۴-۱-۲-الف- مراقبت از کودک با جلوگیری از ابراز هیجان: بزار بزرگ شه انقدر غصه هست که باید حالا حالاها بخوره تو این دنیا، حداقل الآن که می‌تونم نزارم غصه بخوره.
۴-۱-۲-ب- کودک سالم یعنی شاد: ببین من واسم مهمه که یه بچه درست حسابی تحویل جامعه بدم. یه بچه سالم و شاد. نه ازین بچه‌ها که هر دقیقه غم برک میزنن و گریه می‌کنن و غصه می‌خورن. بچه باید حالش خوش باشه.

۴-۲- مضامین نگرش‌های مادران غیر حمایتی (متمرکز بر نیازهای خود)
مضامین اصلی این گروه شامل ابراز هیجانات منفی، تهدیدی برای آرامش مادر و ابراز هیجانات منفی، نشانه مشکل شخصیتی و رفتاری کودک است.

۴-۲-۱- ابراز هیجانات منفی، تهدیدی برای آرامش مادر:
مادرانی که این نگرش را دارند چنین می‌پندارند که هرگونه ابرازگری هیجانات منفی کودکان، برای مادران مشکلاتی ایجاد می‌کند و آرامش آنان را سلب می‌کند. هشت نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است:

۴-۲-۱-الف- هدف از ابراز هیجانات منفی، آزار دادن مادر است: خب بچه آروم، مادرشو اذیت نمی‌کنه. ساکنه.

۴-۲-۱-ب- غیرقابل تحمل بودن هیجانات منفی: زهرا خیلی بیخودی گریه می‌کنه. منم واقعاً تا یه جا تحمل می‌کنم. بعدش از کوره در میرم و برخوردی می‌کنم که بعد خودمم پشیمون میشم.

۴-۲-۱-پ- هیجانات منفی کودک، عامل افسردگی و ناامیدی مادر: من بیشتر احساس ناامیدی کردم. حس کردم خستم و واقعاً دوست ندارم دیگه سر هر چیزی که عصبیش میکنه، باهاش حرف بزنم. به نظرم این کارهاش، فقط باعث میشه من ناامید و افسرده بشم.

۴-۲-۱-ت- کمک به مدیریت هیجانات کودکان، عامل اتلاف وقت مادر: بعدم من هی پیام حالا به این بچه محل بدم، هیچی دیگه از فردا باید هرروز ناز خانمو بکشم. تازه وقتم هم میره بااین همه مشغله‌ای که دارم.

۴-۲-۱-ث- ابراز هیجانات منفی کودک، نشانه عدم علاقه به مادر: بچه دوستم ماشالله انقد مهربونه. هم سن نرگسه تقریباً؛ اما اصلاً اهل گریه و زاری نیست. مامانشو خیلی دوست داره. برعکس نرگس که دوستم نداره و اذیت میکنه و گریه‌زاری می‌کنه.

۴-۲-۱-ج- ابراز هیجانات منفی کودک، نشانه بد بودن مادر: تنها کاری که تونستم بکنم اینه که بغلش کردم و رفتم سمت خونه. گفتم باید بریم خونه. تو نمی‌خوای بازی کنی انگار. آخه جیغ زدن وسط پارک! حالا همه فکر می‌کنن من مامان بدی‌ام.

۴-۲-۱-چ- ابراز هیجانات منفی، مایه آبروریزی مادر: همش داره گریه می‌کنه. همه میگن چقدر لوسه دخترش. اصلاً دیگه نمیدونم چی بگم به مردم گیج شدم خیلی زشته به خدا آبرو آدم میره (مشاهده ۴).

۴-۲-۱-ح- هیجانات منفی، عامل زیرسؤال بردن قدرت مادر: دانیال داره سعی میکنه منو کنترل کنه، هرچی بهش با مهربونی حرف میزنم فایده نداره. این فقط داره همه چیو طبق اون جوری پیش می‌بره که دلش می‌خواد یه جا باید واستم و بهش بفهمونم من مادر اونم و باید بهم گوش بده.

۴-۲-۲- هیجانات منفی، نشانه مشکل شخصیتی و رفتاری کودک:

برخی از مادرانی که بر نیازهای خود متمرکزند، ابراز هیجانات منفی را نشانه مشکل شخصیتی و رفتاری کودک می‌دانند و به همین سبب، حمایت از ابراز هیجانات منفی را خطرناک و مضر می‌دانند و وظیفه خود را رها کردن سریع کودکان از این هیجانات قلمداد می‌کنند. پنج نگرش ذیل این عنوان کدگذاری شده است:

۴-۲-۲-الف- هیجانات منفی، نشانه ضعف خودکنترلی کودک: بیشتر ناراحت شده بودم چون فکر می‌کردم ملورین قوی‌تر از این حرفا باشه. خیلی زود ولی بهم ریخت و ترسید. دوست داشتم شجاع باشه.

۴-۲-۲-ب- هیجانات منفی، نشانه نامهربانی کودک: بچه دوستم ماشاءالله انقد مهربونه. هم سن نرگسه تقریباً؛ اما اصلاً اهل گریه و زاری نیست.

۴-۲-۲-پ- هیجانات منفی، نشانه درک پایین کودک نسبت به مادر: دوست دارم ثمین درکم کنه. خودشو کنترل کنه. بلد بشه بیخودی هی عصبی و ناراحت نشه. ما که بچه بودیم خیلی مامانمونو درک می‌کردیم.

۴-۲-۲-ت- هیجانات منفی کودک، وسیله باج‌خواهی کودک: این بچه هر جور شده میخواد از من یه باجی بگیره. این دفعه‌ام باز میخواست گریه و زاری کنه تا چوب‌ها رو بیره خونه با خودش.

۴-۲-۲-ث- هیجانات منفی، نشانه عدم انعطاف‌پذیری کودک: میبین صبح تا شب، همه سر هم کلاه میزارن. دینا بخواد واسه هر کدومش انقدر خودشو ناراحت کنه دیگه

چیزی ازش نمی‌مونه. آدم مجبوره یه جاهایی کنار بیاد دیگه، به نظرم انعطاف‌پذیری‌اش کمه دینا، تحملش کمه سریع ناراحتی میکنه.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی نگرش‌های مادران ایرانی نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان است. در ادامه، نتایج به دست آمده بحث و بررسی می‌شود.

در نگرش‌های حمایتی بدون قید و شرط، برخی مادران، منع ابراز هیجان را، عامل انباشت آن تلقی کرده و ابراز هیجان را طبیعی دانسته‌اند. در راستای مضمون طبیعی دانستن ابراز هیجانات منفی، در پژوهش گارت پترز، کاسترو، هالبراستاد^۱ (۲۰۱۷) توضیح داده شد که والدینی که نگرششان در مورد هیجانات کودکان، مثبت است و آنها را ارزشمند قلمداد می‌کنند، به هیجانات کودکان علاقه نشان می‌دهند و با کودکانشان در مورد تجارب هیجانی همراه می‌شوند. برای مثال، این والدین گزارش داده‌اند که خوب است کودکان هیجانات خود را مثل ناراحتی ابراز کنند و به اطرافیان نشان دهند که چه زمان‌هایی خوشحال، عصبانی و یا کلافه هستند. همچنین پژوهش دیگری نشان داد که تنظیم هیجانات بر سلامت ما تأثیر می‌گذارد. ابراز هیجانات، با انبوهی از مزایای روانی و فیزیولوژیک همراه است درحالی‌که سرکوب هیجانات، پیامدهای منفی برای سلامتی دارد (مینک، مادوکس، پینرو، کراکت^۲، ۲۰۲۲).

همسو با این یافته پژوهش که «توجه به هیجانات منفی، عامل تنظیم هیجانات است و در صورت بروز هیجانات منفی ابتدا باید کودک را حمایت کرد»؛ در پژوهشی نیز چنین نتیجه‌ای حاصل شد که در یک رابطه دل‌بستگی ایمن، والدین در سال‌های اول با حساسیت به هیجانات فرزندانشان توجه و کمک می‌کنند تا هیجانات خود را بفهمند و تنظیم کنند و در نتیجه توانایی خودتنظیمی را پرورش دهند (ساجا، لاورنو، بایو کو، پالینی^۳، ۲۰۲۲).

مضمون بعدی که تأکید داشت، با ابراز‌گری هیجانات، اعتماد به نفس کودک نیز بالاتر می‌رود و آرامش کودک ارتقا می‌یابد همسو با پژوهشی است که اذعان دارد، والدینی که با راهبردهای حمایتی (از طریق آرامش، تشویق و ارائه حل مسئله) پاسخ

1. Garrett-Peters., Castro., Halberstadt

2. Mink., Maddox., Pinero., Crockett

3. Saija., Ioverno., Baiocco., Pallini

می‌دهند، باور دارند که با ابراز هیجانات احتمال بیشتری دارد که فرزندان با پیامدهای روانی اجتماعی مثبت‌تری داشته باشند (مک کی، پارت، زاچاری، فورهند^۱، ۲۰۱۸). هم‌راستا با این مضمون نیز که ابراز هیجانات فرصتی برای آموزش حل مسئله است؛ کاسترو و همکاران (۲۰۱۵) نیز اظهار داشتند که والدینی که به ارزش هیجانات منفی معتقدند، تجربه و ابراز هیجانات منفی را به‌عنوان عاملی ضروری برای یادگیری و توسعه مهارت‌های هیجانی می‌دانند و فکر می‌کنند که باید یک جهت‌گیری آموزشی وجود داشته باشد.

مضمون «کودکان خود باید هیجاناتشان را درک کنند» نیز هم‌راستا با پژوهش مورلن، شافر و سوچ^۲ (۲۰۱۶) است که به این نکته دست یافتند که والدینی که در سبک فرزندپروری هیجانی خود حمایت‌گر هستند، به هیجانات کودکان اعتبار می‌بخشند و به درک تجربه هیجانی کودکان کمک می‌کنند.

هم‌راستا با مضمون «ضرورت کمک به تنظیم هیجانات در کودکی برای مدیریت بهتر آنها» نیز، پژوهشی به این نکته اشاره کرده است که والدینی که برای خودنظم‌بخشی هیجانات در زمان کودکی فرزندانشان ارزش قائل هستند، اغلب احتمال اینکه به خودمدیریتی هیجان کودکانشان کمک کنند بیشتر است و احتمالاً برای آنها الگویی از خودکارآمدی هیجانی می‌باشند (مایر، ریکز، ویرمانی، واترز، تامسون^۳، ۲۰۱۴).

مضمون «والدین نحوه ابراز و تنظیم هیجانات را هدایت می‌کنند» نیز با پژوهشی همسوست که معتقد است، والدین حمایتگر، احتمالاً به تجربه عاطفی کودک احترام می‌گذارند و با آرامش، آموزش ابراز و تنظیم هیجانات کودکان را هدایت می‌کنند تا کودکان مدیریت هیجانات را با روش‌های مناسب ارائه کنند (مک کی و همکاران، ۲۰۱۸).

مضمون دیگری که تأکید داشت، کمک به تنظیم هیجانات کودکان به پیشگیری از آسیب‌ها منجر می‌شود؛ هم‌راستای پژوهش روال، روال و دو^۴ (۲۰۱۴) است که معتقد است، عدم آموزش مهارت‌هایی همچون تنظیم هیجانات، ممکن است سبب شود که کودکان راهبردهای تأثیرگذار را نیاموزند و در عوض، احتمال بروز نشانه‌های درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده را افزایش دهد.

1. McKee., Parent., Zachary., Forehand

2. Morelen., Shaffer., Suveg

3. Meyer., Raikes., Virmani., Waters., Thompson

4. Raval., Raval., Deo

در خصوص نگرش‌های دوسوگرایانه، از جمله اینکه «ابراز هیجانات پذیرفتنی هستند اما نشانهٔ پرخاشگری در جامعه است» نیز در پژوهش کاراهوتا^۱ (۲۰۱۴) به این نکته پرداخته شده است که برخی از افراد ممکن است بیان و ابراز هیجانات را ناسازگارانه و پرخاشگرانه تلقی کنند. تبیین پژوهشگر نیز در این مورد این است که با توجه به اینکه قواعد ابراز هیجانات خاص هر فرهنگ، فراوانی، شدت و تناسب هیجانات ابراز شده را در تعاملات اجتماعی تعیین و آن هیجانات را اجتماعی می‌کنند (مولر و همکاران، ۲۰۲۲)؛ به نظر می‌رسد گاه در جامعه شیوه‌های اجتماعی‌سازی و قواعد نامناسبی رایج است که تبعیت از آنها، به مسدود کردن نامناسب ابراز هیجانات منفی کودک می‌انجامد؛ و از آنچه که مادر می‌خواهد از آن شیوه‌های نامناسب اجتماعی‌سازی اجتناب کند، فشار وارد از سمت جامعه، برخی مواقع مادر را در حالتی از دوسوگرایی قرار می‌دهد که نمی‌داند میان شیوه نگرش صحیح و نگرش تحمیل شده، کدام را برگزیند. در نتیجهٔ این دوسوگرایی، نگرش حمایتی، در مادر درونی نمی‌شود.

مضمونی که ندادن فرصت ابراز هیجان را، خیانت و نشانهٔ سنگدل بودن مادر می‌دانست می‌توان چنین تبیین کرد که در این مورد مادر بین نگرش خانواده مبدأ و تجربهٔ عذاب وجدان خود دچار دوگانگی شده است؛ و مضمون بعد که نگرش غالب این مادران است این بود که در صورت ناتوانی کودک در ابراز هیجانات منفی، مادر مقصر است. درواقع آنها بین دنیای تجربی و آرمانی درگیر دوگانگی شده‌اند. این والدین از ابراز هیجان حمایت می‌کنند و به‌صورت افراطی عدم ابراز را ناشی از عدم توانایی خودشان می‌بینند. این مادران در اثر آگاهی از ضرورت ابراز هیجان و نداشتن فرصت ابراز هیجانات منفی خود در کودکی، گاهی دچار احساس گناه وسواس گونه می‌شوند و خودشان را بیش‌ازحد مسئول می‌دانند و در ابراز هیجان کودک حتی ممکن است بر کودک فشار بیاورند. در راستای این یافته، پژوهشی مشاهده نشد.

همسو با این مضمون که «هیجانات منفی شامل هیجانات نشانگر قدرت یا تهدیدکننده، مانند خشم غیرقابل‌پذیرش و نشانگر ضعف یا منفعلانه، مانند ترس که قابل‌پذیرش است»؛ نتایج پژوهشی نشان داد که مادران بیشتر ابراز هیجان غم را تشویق می‌کنند به نسبت هیجان خشم که غیرقابل‌پذیرش است (کورپسی، اکسان، یاگمورلو^۲، ۲۰۱۲). در پژوهش دیگری نتایج نشان داد که نگرش‌های والدین در مورد هیجانات که بر اجتماعی شدن هیجانات کودکان تأثیر می‌گذارد، می‌توانند نسبتاً کلی باشند، اما می‌توانند

1. Karahuta

2. Corapci., Aksan., Yagmurlu

در ویژگی‌های فرعی متفاوت باشند (فورد و گراس^۱، ۲۰۱۹)، از جمله در پذیرش احساسات خاص، مانند خشم، ترس، غم، احساسات منفی یا مثبت (کارونا، موریرا، فانسسا، ۲۰۲۲). هم‌راستا با این مضامین که ابراز خشم در زنان بد اخلاقی و موجب تنفر مردان است؛ غم، هیجانی زنانه است؛ ترس در دختران طبیعی است و ابراز خشم، مختص مردان است؛ در پژوهش‌های راو و گیسون^۲ (۲۰۱۹) بر مفهوم «حفظ هنجار» تأکید شده است و در آن انتظار می‌رود کودکان مطابق با هنجارهای جامعه از جمله هنجارهای مرتبط با جنسیت عمل کنند. سان، لم و چانگ^۳ (۲۰۲۱) نیز متذکر شدند که اجتماعی‌سازی هیجانات از سوی والدین یکسان نیست، بلکه به ویژگی‌های شخصی کودکان مانند جنسیت بستگی دارد. همچنین وو و شوآرتز^۴ (۲۰۲۰) نیز معتقدند که جنسیت، یکی از عواملی است که در مورد قواعد ابراز هیجان کودکان مؤثر است. کارونا، موریرا و فانسسا (۲۰۲۲) نیز در پژوهش خود تأکید کردند که معمولاً پسرها غم و اندوه خود را سرکوب می‌کنند و دختران مانع از ابراز خشم خود می‌شوند، زیرا انتظارات مثبت کمتری در مورد دریافت پاسخ حمایتی برای این ابرازگری هیجانی وجود دارد.

به‌علاوه در رابطه با مضمون بعدی یعنی «ابراز هیجانات منفی، مشکلات هیجانی-روانی برای کودک ایجاد می‌کنند» در پژوهش کاراهوتا (۲۰۱۴) به این نکته پرداخته شده است که والدین غیر حمایتی، ناراحتی و خشم را به‌عنوان عامل ایجادکننده اختلالات و همچنین به‌صورت بالقوه برای کودک خود مضر می‌دانند. این والدین معتقدند این هیجانات می‌توانند مشکلاتی را برای کودکان ایجاد کنند. به‌علاوه اینکه اعتقاد دارند هیجانات خطرناک یا مشکل‌سازند (گارت-پترز و همکاران، ۲۰۱۷).

یکی دیگر از مضامین که «مراقبت از کودک را، به معنی جلوگیری از ابراز هیجان منفی کودک دانسته است»؛ همسو با پژوهشی است که اذعان دارد، والدینی که به‌عنوان نادیده‌گیر هیجانات مشخص می‌شوند، احتمالاً هیجانات کودک را باطل می‌کنند، انتقاد می‌کنند، نادیده می‌گیرند یا حواس او را از احساسات منحرف می‌کنند و این احساس را منعکس می‌کنند که احساسات خطرناک هستند و باید از آنها اجتناب شود (مک کی و همکاران، ۲۰۱۸).

1. Ford., Gross

2. Rao., Gibson

3. Sun., Lam., Chung

4. Wu., Schulz

مضامینی که تأکید بر مراقبت از دیگران دارند از جمله: هدف از ابراز هیجانات منفی؛ آزار دادن مادر است، غیرقابل تحمل بودن هیجانات منفی؛ هیجانات منفی کودک، عامل افسردگی و ناامیدی مادر؛ ابراز هیجانات منفی مایهٔ آبروریزی مادر؛ کمک به مدیریت هیجانات کودک، عامل اتلاف وقت مادر؛ همسو با پژوهش راو و گیسون (۲۰۱۹) است که سه دلیل و قاعدهٔ اصلی برای ابراز نکردن هیجانات واقعی توسط کودکان را حفظ هنجار، محافظت از خود و محافظت از دیگران (برای مثال، نگرانی در مورد تأثیر منفی ابراز هیجانات) توضیح می‌دهند. در این مضامین نیز مادر، معتقد است کودک با ابراز گری هیجانی خود، تأثیر منفی در او خواهد گذاشت. همچنین همسو با این مضمون که «ابراز هیجانات منفی، نشانهٔ سطح اجتماعی پایین و مایهٔ آبروریزی مادر است» در پژوهش مزون، نادر-گراسویس^۱ (۲۰۱۶) چنین مطرح شد که ابراز هیجانات کودکان، برای برخی از والدین خجالت‌آور و عامل شرمندگی است.

تبیین پژوهشگر نیز این است که در برخی از مادران قاعدهٔ محافظت از دیگران، به شکل افراطی بروز می‌کند و خود را به این شکل نشان می‌دهد که کودک به جهت مراعات و مراقبت از دیگران نباید هیچ‌گونه ابراز هیجان منفی داشته باشد. در نتیجه زمانی که کودک به ابراز هیجانات منفی خود بپردازد، خانواده چنین می‌اندیشند که ابراز این هیجانات، نشانهٔ درک پایین کودک نسبت به آن‌هاست و یا برحسب همین نگرش، مادر چنین می‌پندارد که اگر کودک به ابراز هیجانات منفی بپردازد احتمالاً به دلیل مشکل شخصیتی و رفتاری (نامهربانی، عدم تاب‌آوری، عدم انعطاف‌پذیری) اوست.

دو مضمون «ابراز هیجانات منفی، نشانهٔ ضعف خودکنترلی و کم‌تحمل بودن کودک است» و «هیجانات منفی کودک، وسیلهٔ باج‌خواهی کودک» نیز همسو با پژوهش هاس (۲۰۱۶) است که بیان می‌کند، در نگرش‌های غیرحمایتی، باور دارند که کودکان با استفاده از هیجانات می‌خواهند اوضاع را کنترل کنند، نشان دادن هیجانات، ضعف محسوب می‌شود و هیجانات خطرناک‌اند (هاس، ۲۰۱۶). همچنین این مضمون که «ابراز هیجانات منفی کودک، وسیلهٔ باج‌خواهی و محق بودن کودک است» همسو با پژوهش هالبرستاد و همکاران (۲۰۱۳) است که ادعا می‌کنند که واکنش‌های نامطلوب مادران ممکن است ناشی از این اعتقاد باشد که فرزندشان از هیجانات برای مدیریت کردن دیگران و رسیدن به خواسته‌هایش استفاده می‌کند.

به‌طور کلی در پژوهش حاضر، یافته‌ جدیدی که این پژوهش را با پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند، این نکته است که نتایج نشان می‌دهد که تقسیم‌بندی نگرش‌های مادران نسبت به ابراز هیجانات کودکانشان، می‌تواند گسترده‌تر باشد و درواقع نگرش‌های مادران به‌صورت دو مقوله حمایتی و غیر حمایتی و یا مضر دانستن هیجانات و ارزشمند دانستن آنها نیست؛ بلکه یک پیوستار است. برخی از مادران حمایتی، بدون قید و شرط پذیرای ابراز هیجانات منفی کودکانشان هستند، برخی دیگر از مادران حمایتی، میان نگرش‌های خود و جامعه دچار دوسوگرایی شده‌اند و نگرش‌های حمایتی در آنها درونی‌سازی نشده است که این مسئله باعث ایجاد تردید در مورد نحوه نگرش به ابراز هیجانات منفی کودکان شده است. همچنین طبقه دیگری به‌عنوان پذیرش مشروط نیز، وجود دارد که می‌توان آن را بینابین گروه مادران حمایتی و مادران غیر حمایتی در نظر گرفت و این گروه برحسب جنسیت و یا نوع هیجان، نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان پذیرش دارند. مادران غیر حمایتی نیز بنا بر یافته‌ها، دو نوع هستند. برخی از آنها به جهت تمرکز بر نیازهای کودک و با در نظر گرفتن منفعت کودک، چنین می‌اندیشند که نباید از کودک حمایت کنند؛ و برخی از آنها بر نیازهای خود متمرکزند و به سبب آزرده‌خاطر شدن از ابراز هیجانات منفی کودک، حاضر به حمایت از او نیستند.

یافته کلی دیگر این است که با وجود اینکه در پژوهش‌های پیشین تأکید شده بود که در فرهنگ‌های شرقی، سرکوب ابراز خشم و سایر هیجانات می‌تواند به‌عنوان رفتارهای اجتماعی خوب تلقی شود؛ شاید به این دلیل که ارزش وابستگی متقابل و اجتناب از درگیری با دیگران در فرهنگ شرقی ریشه دوانده است (باو، کاتو^۱، ۲۰۲۰) (مولر و همکاران، ۲۰۲۲)؛ در پژوهش حاضر که در ایران به عنوان یک جامعه شرقی اجرا شده است، نتایج نشان داد که برخی از والدین، نگرش حمایتی بدون قید و شرط در خصوص ابراز هیجانات منفی کودکان داشتند و ابراز هیجانات منفی را طبیعی تلقی می‌کردند و حتی آن را ضروری می‌دانستند. بنا بر تبیین پژوهشگر، ممکن است این نگرش، متأثر از سطح تحصیلات بالاتر این گروه از والدین بوده باشد و یا شاید بتوان گفت، به جهت گسترش روزافزون نقش رسانه‌ها در زندگی (اینستاگرام، تلویزیون، سایت‌ها، کانال‌های تلگرام و غیره)، افراد بیشتر در معرض آموزش‌های روان‌شناسی قرار گرفته‌اند و یا ممکن است، دیدن فیلم‌ها و یا مطالعه کتب متعدد روان‌شناسی، در شکل‌گیری این نگرش مؤثر بوده

باشد. همچنین ممکن است در نتایج پژوهش‌هایی که به تفاوت جوامع غربی و شرقی اشاره کرده‌اند، سوگیری خاصی صورت گرفته باشد.

آخرین یافته جدید پژوهشگر که در پژوهش‌های پیشین چندان به آن اشاره نشده است، این است که ممکن است قاعده مراقبت از خود و دیگران، به شکلی افراطی نیز بروز کند. در نتیجه افراط در این نگرش‌ها، طبق یافته‌های حاضر در پژوهش، مادر چنین می‌اندیشد که برای اینکه پیامد نامناسبی مانند مشکلات هیجان-روانی، مشکلات جسمانی و اتلاف وقت کودک، برای کودک رخ ندهد و برای حفظ مراقبت از کودک، باید مانع ابراز هیجانات منفی او شد. در واقع این گروه از مادران، انتظار دارند کودک برای حفظ و مراقبت از خود، هیجانات منفی را ابراز نکند که این نوع نگرش، به نوعی شکل افراطی قاعده ابراز هیجان مراقبت از خود است.

از جمله محدودیت‌های پژوهشی که می‌توان نام برد، این نکته است که نمی‌توان یافته‌های پژوهش را به مادران سایر گروه‌های سنی تعمیم داد. به علاوه پژوهش حاضر نمونه در دسترس و هدفمند بود و صرفاً مادرانی که در یک خانه کودک حضور داشتند مورد بررسی قرار گرفتند و از آنجا که به بررسی مادران، صرفاً در یک منطقه مشخص از شهر تهران پرداخته شده است، در تعمیم یافته‌ها باید جانب احتیاط را رعایت کرد. همچنین، ممکن است مادران مشارکت‌کننده در مصاحبه، نگرش حقیقی خود را در طول مصاحبه آزادانه بیان نکرده باشند و یا حداقل بخشی از آن را پنهان کرده باشند که البته پژوهشگر با استفاده از روش مشاهده تعامل مادر و کودک تا حدودی تأثیر این مسئله را کاهش داد. با وجود این از آنجا که نگرش مادران، بیشتر از طریق مصاحبه قابل دسترسی است می‌توان این مورد را نیز جزو محدودیت‌های پژوهش در نظر گرفت.

از جمله پیشنهادات پژوهشی که می‌توان مطرح کرد این است که به بررسی نگرش‌های پدران ایرانی و مقایسه نگرش مادران و پدران، پرداخته شود. به علاوه، بررسی نگرش‌های مادران در گروه‌های سنی بیشتر یا بررسی نگرش مادران در اقشار مختلف شهر و کشور و با استفاده از شیوه مداخله، داده‌های تکمیل‌کننده بیشتری می‌توان به دست آورد. بررسی شیوه‌های کارآمد اجتماعی‌سازی هیجانی و فرزندپروری هیجانی در والدین ایرانی نیز می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد مطالعه قرار گیرد.

به صورت کاربردی نیز، از نتایج پژوهش، می‌توان در کارگاه‌های آموزش فرزندپروری هیجانی، آگاهی‌بخشی از تأثیر فرهنگ بر نگرش مادران و دوره‌های ارتقای

مهارت ابراز هیجان و تنظیم هیجان برای کودکان، بهره گرفت. به علاوه می‌توان، در بخش درمان کودکان و مادران نیز از این نتایج استفاده کرد.

قدردانی

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم است.

منابع

شاطریان، م؛ شریعتمداری، آ؛ کلانتر هرمزی، آ (۱۳۹۶). بررسی کیفی نقش ارتباطات قبل از ازدواج در رفتارهای کنترل‌گریزانه و سازگاری همسران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

نیکبخت، ر؛ حقایق، ع. (۱۳۹۸). «نقش رابطه والدگری و داغ اجتماعی با تعامل‌های والد-فرزند در مادران کودکان مبتلا به اتیسم»، *روان‌شناسی فرهنگی*، ۳ (۲)، ۱۳۸-۱۲۴.

- Bao, J., & Kato, M. (2020). Determinants of Maternal Emotion Socialization: Based on Belsky's Process of Parenting Model. *Frontiers in psychology*, 11, 2044.
- Bertie, L. A., Johnston, K., & Lill, S. (2021). Parental emotion socialisation of young children and the mediating role of emotion regulation. *Australian Journal of Psychology*, 1-13.
- Castro, V. L., Halberstadt, A. G., Lozada, F. T., & Craig, A. B. (2015). Parents' emotion related beliefs, behaviours, and skills predict children's recognition of emotion. *Infant and Child Development*, 24(1), 1-22.
- Carona, C., Moreira, H., & Fonseca, A. (2022). PARENTAL BELIEFS ABOUT THEIR CHILDREN'S EXPRESSION OF NEGATIVE EMOTIONS: REEXAMINING THE FACTORIAL STRUCTURE OF TWO MEASURES AND THEIR DISCRIMINANT VALIDITY. *International Journal of Child, Youth and Family Studies*, 13(1), 82-97.
- Chen, S. H., Zhou, Q., Main, A., & Lee, E. H. (2015). Chinese American immigrant parents' emotional expression in the family: Relations with parents' cultural orientations. and children's emotion-related regulation. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 21(4), 619.
- Corapci, F., Aksan, N., & Yagmurlu, B. (2012). Socialization of Turkish Children's Emotions: do different emotions elicit different responses? *Global Studies of Childhood*, 2(2), 106-116.
- Ford, B. Q., & Gross, J. J. (2019). Why beliefs about emotion matter: An emotion-regulation perspective. *Current Directions in Psychological Science*, 28, 74-81.
- Gala, N. M. (2017). *Emotional display rules of deaf culture: An evaluation of emotional Expression* (Doctoral dissertation, Gallaudet University).
- Garrett-Peters, P. T., Castro, V. L., & Halberstadt, A. G. (2017). Parents' beliefs about children's emotions, children's emotion understanding, and classroom adjustment in middle childhood. *Social Development*, 26(3), 575-590.
- Halberstadt, A. G., Dunsmore, J. C., Bryant, A., Parker, A. E., Beale, K. S., & Thompson, J. A. (2013). Development and Validation of the Parents' Beliefs About Children's Emotions Questionnaire. *Psychological Assessment*, 25(4), 1195-1210.
- Has, G. U. (2016). *The relationship between mothers and fathers beliefs about childrens*

- emotions and emotion socialization practices* (Doctoral dissertation, İstanbul Bilgi Üniversitesi).
- Hooper, E. G., Wu, Q., Ku, S., Gerhardt, M., & Feng, X. (2018). Maternal emotion socialization and child outcomes among African Americans and European Americans. *Journal of Child and Family Studies*, 27(6), 1870-1880.
- Karahuta, E. L. (2014). Parents' beliefs about preschooler's emotions: the role of socialization and implications for child outcomes.
- Meyer, S., Raikes, H. A., Virmani, E. A., Waters, S., & Thompson, R. A. (2014). Parent emotion representations and the socialization of emotion regulation in the family. *International Journal of Behavioral Development*, 38(2), 164-173.
- Mazzone, S., & Nader-Grosbois, N. (2016). How are parental reactions to children's emotions related to their theory of mind abilities? *Psychology*, 7(02), 166.
- McKee, L. G., Parent, J., Zachary, C. R., & Forehand, R. (2018). Mindful parenting and emotion socialization practices: Concurrent and longitudinal associations. *Family process*, 57(3), 752-766.
- Mink, A. J., Maddox, M. M., Pinero, A. J., & Crockett, E. E. (2022). Gender differences in the physiological effects of emotional regulation. *The Journal of Social Psychology*, 1-13.
- Möller, C., Bull, R., & Aschersleben, G. (2022). Culture shapes preschoolers' emotion recognition but not emotion comprehension: a cross-cultural study in Germany and Singapore. *Journal of Cultural Cognitive Science*, 1-17.
- Morelen, D., Shaffer, A., & Suveg, C. (2016). Maternal emotion regulation: Links to emotion parenting and child emotion regulation. *Journal of Family Issues*, 37(13), 1891-1916.
- Manokara, K., Fischer, A., & Sauter, D. (2022). Display rules differ between positive emotions: Not all that feels good looks good. *Emotion*.
- Nader-Grosbois, N., Jacobs, E., & Morin, D. (2022). Mothers' Socialization of Emotions and Socio-Emotional Competences in Children with and without Intellectual Disabilities in Belgium and Quebec. *Psychology*, 13(1), 135-176.
- Negrão, J. G., Osorio, A. A. C., Siciliano, R. F., Lederman, V. R. G., Kozasa, E. H., D'Antino, M. E. F., ... & Schwartzman, J. S. (2021). The child emotion facial expression set: a database for emotion recognition in children. *Frontiers in psychology*, 12, 1352.
- Raval, V. V., Raval, P. H., & Deo, N. (2014). Mothers' socialization goals, mothers' emotion socialization behaviors, child emotion regulation, and child socioemotional functioning in urban India.
- Rao, Z., & Gibson, J. (2019). Motivations for emotional expression and emotion regulation strategies in Chinese school-aged children. *Motivation and Emotion*, 43(3), 371-386.
- Saija, E., Ioverno, S., Baiocco, R., & Pallini, S. (2022). Children experiencing sadness: Coping strategies and attachment relationships. *Current Psychology*, 1-10.
- Sun, Y., Lam, C. B., & Chung, K. K. H. (2021). Associations between maternal reactions to child negative emotions and child social competence: A longitudinal study. *Journal of family psychology*.
- Wilson, K. R., Havighurst, S. S., & Harley, A. E. (2012). Tuning in to Kids: An effectiveness trial of a parenting program targeting emotion socialization of preschoolers. *Journal of Family Psychology*, 26(1), 56.
- Wu, Q., Feng, X., Yan, J., Hooper, E. G., Gerhardt, M., & Ku, S. (2020). Maternal emotion coaching styles in the context of maternal depressive symptoms: Associations with preschoolers' emotion regulation. *Emotion*.
- Wu, Y., & Schulz, L. E. (2020). Understanding social display rules: Using one person's emotional expressions to infer the desires of another. *Child development*, 91(5), 1786-1799.